

ضرورت تجاری شدن کشت در بهره‌برداریهای کوچک زراعی

دکتر سیاوش مریدی^۱

در بخش کشاورزی سنتی ایران گروه بزرگی از بهره‌برداران را می‌توان به عنوان بهره‌برداران کوچک یا خرده‌پا تعریف کرد. این گروه عمدتاً به تولید شماری از محصولات استراتژیک در یک قالب سنتی و معیشتی اشتغال دارند. متغیر اصلی در تعریف این گروه میزان اراضی تحت اختیار خانوار است که به ساخت زمینداری در کشور مربوط می‌شود. این بافت زمینداری دیرپا می‌نماید زیرا طی چهاردهه اخیر تغییرات بنیادی و مهمی در آن پدید نیامده است. از سوی دیگر، این کشاورزان محصولاتی می‌کارند که ارزش افزوده پائینی دارد. از این رو به نظر می‌رسد که تخصیص منابع دور از نقطه بهینه قرار دارد که این خود به معنای هرز رفتن منابع تولید است.

سهم ناچیز بهره‌برداران کوچک از کل برخی تولیدات مانند گندم و جو، چغندر قند، پنبه، این پندار را مطرح می‌کند که می‌توان آنان را به سوی تولید محصولاتی سوق داد که ارزش افزوده بالایی داشته و قابل صدور باشد. به ظاهر این راه برتر از یکپارچه کردن اراضی، برپائی مزارع بزرگ و غیره به نظر می‌رسد که بر صرفه‌جوییهای مقیاس بی‌ریزی شده‌اند. در آینده نرخ ارز بالاتر خواهد رفت و قیمت کالاهای سرمایه‌ای بیش از این افزایش خواهند یافت. از این رو ضروری است که در استراتژی کشاورزی بیش از پیش بر قیمت نسبی عوامل تکیه شود.

۱. پژوهشگر و مدرس دانشگاه

نگاهی به تجربه جهانی توسعه و نوسازی کشورهای جهان سوم در ۵۰ سال گذشته بازگویی آن است که توهم دوگانه یکسان انگاشتن توسعه و صنعتی شدن، و بی تفاوتی نسبت به ماهیت سرچشمه تأمین ارز، در جریان تجربه تاریخی شماری از کشورها و بویژه کشورهای صادرکننده نفت فرو ریخت. مطالعه تطبیقی ایران به عنوان یک کشور صادرکننده نفت با شماری از کشورهای نوصنعتی (در شرق آسیا) می‌تواند بسیار گویا باشد: ایران از نظر درآمد ارزی به سرچشمه‌ای تکیه داشت که رابطه‌های اقتصادی بسیار مستی با ساختار اقتصادی جامعه دارد از این‌رو از طریق زنجیره‌های پیشین و پسین کمترین اثر را بر آن می‌گذارد؛ در حالی که بسیاری از کشورهای نوصنعتی ارز مورد نیاز خود را عمدتاً از منابعی به دست آورده‌اند که گسترده‌ترین رابطه‌ها را بازارهای کار و سرمایه داشته است. گویا بر پایه این واقعیت اقتصادی است که شماری از اقتصاددانان توصیه می‌کنند که کشورهای در حال توسعه بر شیوه‌های تولیدی کاربر تکیه کنند، و کم‌کم به سوی حوزه‌های تولیدی که نیاز به سرمایه و کار ماهرانه دارد حرکت کنند.

نیازی به بیان گسترده این موضوع نیست که در دو دهه گذشته طی دوره کوتاه (بویژه در فاصله ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰) بازار خرید و مصرف نفت رونق گرفت از این‌رو مبالغ شگفت‌آوری ارز به خزانه کشور سرازیر شد. این درآمد، علاوه بر تغییر الگوی مصرف، موجب تغییر الگوی تولید نیز شد و دولت را بر آن داشت تا از سیاستهای انبساطی و ارزان‌فروشی ارز پیروی کند. در این وضعیت فعالیتهای رانت‌جویی تبدیل به محرکه رشد اقتصادی شده بود. به نظر می‌رسد که این وضعیت که با عصر طلایی سرمایه‌داری همزمان بود و کشورهای صادرکننده نفت، (از جمله ایران)، را از دیگر کشورهای در حال توسعه متمایز می‌کرد، به سر رسیده باشد. بدین ترتیب ایران باید در پی بدیل‌های دیگری برای تأمین ارز مورد نیاز خود برآید. در این زمینه نباید نقش تاریخی بخش کشاورزی ایران را از یاد برد. به عبارت دیگر، طی دوره‌ای نسبتاً طولانی که درآمد نفت اهمیت پیدا کرده بود، نقش ارزآوری بخش کشاورزی به فراموشی سپرده شد، و این بخش حتی به مصرف‌کننده ارز تبدیل شد. این نقش ضرورتاً باید احیا شود تا از این طریق علاوه بر تحصیل درآمد ارزی، بخش کشاورزی رونقی روز افزون گیرد و توان رقابت در پهنه بین‌المللی را به دست آورد. بدین منظور در مقاله حاضر با هدف پیدا کردن امکانات بالقوه بخش کشاورزی، برخی جنبه‌های ساختاری آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شکاف عظیم میان موقعیت موجود کشاورزی در کشور و بازارهای جهانی، مربوط به بخشی است که اصطلاحاً سستی خوانده شده و اساساً از طریق کشاورزان کوچک و خرده‌پائی هدایت و مدیریت می‌شود که مهمترین مشخصه آنها صرف نظر از کوچک بودن و پراکنده بودن اراضی واحد بهره برداری، ناآگاهی از فنون کشاورزی نوین و بی‌اطلاعی از ساختار بازار و نیازهای آن و نیز ناآشنایی با اصول امروزین بسته‌بندی، نگهداری، بازاریابی و بازار رسانی و نظایر آن است. براین اساس، در این مقاله سعی شده است که نخست ابعاد این شکاف از طریق شناسایی کشاورزان خرده پا و موقعیت و مسائل آنان بررسی شده آنگاه مناسبترین رهیافت برای برون رفت از این تنگنا پیشنهاد شود. همان‌گونه که از عنوان مقاله برمی‌آید این رهیافت مبتنی بر استفاده بهینه از مکانیسم بازار برای نوسازی و تحول این واحدهاست که در چارچوب ضرورت بهره‌داری خرد مورد بحث قرار می‌گیرد.

توزیع زمینهای کشاورزی

تقریباً تمام صاحب‌نظران بر این باورند که در کشاورزی، زمین عامل اصلی و محوری تولید است. پیرو این نظر، مسائل دیگری مانند توزیع زمین، اندازه بهره‌برداری‌ها و مانند این مطرح می‌شوند که در تولید و توزیع درآمد بسیار مؤثرند. مثلاً، می‌توان از این باور کلاسیکها (ونوکلاسیک) پشتیبانی کرد که: یکی از دلایل اصلی موفقیت بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای پیشرفته، بزرگ بودن اندازه قطعات بهره‌برداری است چرا که موجب پیدایش صرفه‌جوییهای مقیاس تولید می‌شود. این صرفه‌جوییها از آنجا سرچشمه می‌گیرند که با بزرگتر شدن اندازه بهره‌برداری، کاربرد برخی نهاده‌ها بویژه ماشین‌آلات کشاورزی آسانتر می‌شود و صرفه اقتصادی بیشتری هم پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که در ایران و برخی کشورهای جهان سوم شماری از سیاستهای کشاورزی در زمینه یکپارچه سازی اراضی، برپایی واحدهای کشت و صنعت، شرکتهای سهامی زراعی و غیره، ریشه در همین دیدگاه اقتصادی داشته باشد؛ غافل از اینکه در تعیین اندازه مزارع و همچنین درجه و میزان کاربرد ماشین‌آلات، قیمت نسبی عوامل تولید نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد.

روشن است که در بسیاری کشورها توزیع زمین مانند توزیع درآمد، ناموزون است ولی

آنچه بسیاری از کشورهای در حال توسعه را از کشورهای پیشرفته متمایز می‌کند، وجود شمار زیاد تولیدکنندگان خرد در کنار تعدادی تولیدکنندگان بزرگ است. ویژگی دیگر، میانگین اندازه بهره‌برداری‌هاست که معمولاً در این کشورها پایین است و گرایش به کاهش دارد، که مبتنی بر دلایل گوناگون است که مهمترین آنها فشار جمعیت است.

نخستین آمارگیری ایران به سال ۱۳۳۹ یعنی در آستانه اصلاحات ارضی برمی‌گردد که کل اراضی زیر کشت را به تفکیک طبقات بهره‌برداری به دست داد. در جدول شماره ۱ دیده می‌شود که در سال مزبور در حدود ۱۸۷۷ هزار بهره‌بردار وجود داشتند که بیش از ۱۱۳۵۶ هزار هکتار را زیر کشت داشتند. در حدود ۵۰ درصد از این بهره‌برداران کمتر از سه هکتار زمین در اختیار داشتند و کل این قبیل اراضی به ۱۰ درصد اراضی زیر کشت هم نمی‌رسید (جدول شماره ۲) در مقابل، سه گروه آخر قرار داشتند که کمتر از ۵ درصد تعداد را تشکیل می‌دادند در حالی که بیش از ۳۳ درصد اراضی در تصرف آنان بود.

هرچند در سال ۱۳۴۰ اصلاحات ارضی صورت پذیرفت و بتدریج مناسبات تولیدی بین مالک و زارع را به‌طور بنیادین و کامل دگرگون کرد، ولی تغییر پایه‌ای مهمی در وضعیت توزیع اراضی در طبقات بهره‌برداری پدید نیاورد. در نتیجه در سال ۱۳۷۱ یعنی حدود ۳ دهه پس از اجرای اصلاحات ارضی همچنان شمار زیادی از بهره‌برداران در صد ناچیزی از کل زمین‌ها را در اختیار داشته‌اند. به بیان دیگر، در سال ۱۳۳۹ در حدود ۲۶ درصد بهره‌برداران زیر یک هکتار زمین داشتند که مجموع مساحت آن به $1/75$ درصد کل اراضی زیر کشت می‌رسید؛ این ارقام در سال ۱۳۵۲ از لحاظ تعداد بهره‌برداران افزایش یافت و به بیش از $29/6$ درصد رسید در حالی که از نظر وسعت زمین کمی کاهش پیدا کرد. در اوائل دهه ۱۳۶۰ قدر نسبی شمار این تولیدکنندگان به $32/49$ درصد رسید و اراضی آنان نیز اندکی گسترش یافته و مجموع مساحت آن $2/34$ کل اراضی بهره‌بردارها رسید. ده سال بعد، این ارقام کاهش یافت: در سال ۱۳۷۱ حدود ۱۹ درصد بهره‌برداران جمعاً $1/22$ درصد اراضی را در اختیار داشتند. از سوی دیگر، هرگاه بهره‌برداران بزرگ (یعنی دو گروه آخر) در نظر گرفته شوند مشاهده خواهد شد که تغییرات چشمگیری در وسعت اراضی تحت اختیار آنها به‌وجود نیامده است یعنی همچنان از لحاظ تعداد بسیار اندکند در حالی که اراضی زیادی در اختیار دارند اگرچه این زمینها نسبت به اراضی گروه‌های میانی

بسیار کمتر است.

در جدول شماره (۱) این نکته نیز قابل توجه می‌نماید که در طی دوره ۱۳۳۹ - ۷۱ شماره بهره‌برداران از ۱/۸۷۷/۲۹۹ بهره‌بردار سال ۱۳۳۹ در سال ۱۳۶۷ به ۲/۴۵۵/۲۵۰ و در سال ۱۳۷۱ به ۲/۵۹ میلیون بهره‌بردار رسید، یعنی در حدود ۳۹/۶ درصد افزایش یافت؛ از ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۷ این رشد برابر ۳۰/۸ درصد بود، و در طی سالهای آخر دهه ۱۳۶۰ - ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ به ۶/۷ درصد بالا رسید.

از سوی دیگر، سطح زیر کشت هم در طی این دوره افزایش یافته است. چنان که در جدول شماره (۱) دیده می‌شود، اراضی کشاورزی در سال ۱۳۳۹ در حدود ۱۱/۴ میلیون هکتار بود که در سال ۱۳۶۷ به ۱۶ میلیون هکتار و در سال ۱۳۷۱ به ۱۸/۲ میلیون هکتار رسید. به بیان دیگر، در طی دوره ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۷ زمینهای کشاورزی به میزان ۴۱/۴ درصد و در طی دوره ۱۳۳۹ تا ۱۳۷۱ به میزان ۶۰/۳ درصد گسترش یافت و در دوره چهار ساله ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ این گسترش برابر ۱۳/۴ درصد بوده است.

به این ترتیب دیده می‌شود که همراه با افزایش شمار بهره‌برداران، سطح زمینهای کشاورزی هم گسترش یافته است. حاصل این افزایش هماهنگ در هر دو عامل را می‌توان در تغییرات میانگین بهره‌بردارها مشاهده کرد. برای بیان این جنبه که در حقیقت تغییرات افقی در بافت زمینداری را نشان می‌دهد، جدول ۳ محاسبه شده است نخست باید به میانگین کل بهره‌بردارها طی دوره مورد مطالعه اشاره کرد. این میانگین در سال ۱۳۳۹ برابر ۶/۰۴۹۲ هکتار بود که در سال ۱۳۵۲ به ۶/۶۲۰۲ هکتار رسید و در سال ۱۳۶۷ با اندکی کاهش به ۶/۵۳۸۸ رسید و چهار سال بعد به ۷/۰۲۵ هکتار افزایش یافت که این افزایش را می‌توان ناشی از گسترش زمینهای کشاورزی دانست.

اگرچه میانگین کل روندی صعودی داشته است اما این گرایش، با توجه به یکایک طبقات بهره‌بردارها متفاوت است و در شماری از طبقات بهره‌برداری کاهش یافته است مثلاً، میانگین مساحت زمین بهره‌برداران تا یک هکتار در سال ۱۳۳۹ برابر با ۰/۴۰۴۱ هکتار بود که در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۶۱ به حدود ۰/۳۵ هکتار، و سرانجام در سال ۱۳۷۱ به ۰/۴۴۷ هکتار افزایش یافت، یعنی اندکی بیش از سال آغازین آن میانگین مساحت زمین بهره‌برداران یک هکتار یا زیر

ضرورت تجاری شدن کشت ...

دو هکتار در سال ۱۳۳۹ برابر ۱/۲۴۹۷ هکتار بود که در طی سالهای بعد کاهش داشت و همین روند کاهشی تا سال ۱۳۷۱ هم ادامه یافت و به ۱/۲۸۷ هکتار رسید. از سوی دیگر، در طبقات بهره‌برداران بزرگ، گروه ۵۰ تا ۱۰۰ هکتاری قرار دارد که میانگین مساحت هر یک به رزم نوسانات آنها سرانجام از ۶۶/۷ هکتار در سال ۱۳۳۹ به ۶۳/۳ هکتار در سال ۱۳۷۱ می‌رسد؛ یعنی در حدود ۵ درصد کاهش می‌یابد. این روند در گروه بعدی که بزرگترین زمینداران در زمره آنها قرار دارند، بیش از این است، یعنی از ۲۴۲/۵ هکتار در سال ۱۳۳۹ به ۱۹۴/۸ هکتار در سال ۱۳۷۱ کاهش می‌یابد.

این بررسی آماری سه نکته مهم را آشکار می‌کند:

(۱) سطح اراضی کشاورزی و شماره بهره‌برداران به طور همزمان افزایش یافته است، البته سطح زمینهای کشاورزی با آهنگی سریعتر، و به همین دلیل میانگین کل سطح بهره‌برداریها، در مجموع گسترش پیدا کرد.

(۲) بهره‌برداران بزرگ بیش از بهره‌برداران کوچک به کاهش سطح بهره‌برداری خود گرایش داشته‌اند.

(۳) ثبات و حضور گسترده بهره‌برداران کوچک در پهنه کشاورزی ایران است. یعنی به رزم اجرای اصلاحات ارضی در آغاز دهه ۱۳۴۰ و تحولاتی که در دهه ۱۳۶۰ روی داد، بافت زمینداری ایران تغییر ملموسی پیدا نکرد و توزیع زمین همچنان ناموزون باقی ماند. در حقیقت این بافت ماهیتی دیرپا دارد و انتظار نمی‌رود که در آینده‌ای نزدیک تغییر یابد، و شاید بتوان این دیرپایی را توان بالقوه‌ای به شمار آورد که هدایت آن به سوی نوسازی یقیناً به توسعه چشمگیر بخش کشاورزی و از آن طریق به رونق اقتصاد کشور منجر خواهد شد. برای روشن شدن این موضوع، موقعیت اقتصادی این قبیل واحدها در دو سطح خرد و کلان بررسی می‌شود.

جدول ۱. تعداد و مساحت زمین به تفکیک طبقات بهره‌برداري کشاورزی (کل کشور)

مساحت	۱۳۷۱		۱۳۶۷		۱۳۶۱		۱۳۵۲		۱۳۳۹	
	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت
۳۱۰۰۰	۴۹۲۰۰۰	۱۳۱۱۰	۲۳۳۳۰	۲۰۶۷۰۰	۸۲۳۰۰	۷۳۳۷۳	۶۸۶۷۸	۳۱۲۷۹۱	کتر از ۵/۵ هکتار	
۲۸۰۰۰	۳۷۳۰۰۰	۳۳۱۱۰	۳۷۱۹۰	۵۵۲۱۷۰۰	۴۰۶۴۰۰	۳۳۲۱۹۳	۳۷۱۸۲۶	۲۵۶۲۹۶	۱/۵ تا کمتر از ۱ هکتار	
۲۰۶۸۰۰۰	۶۷۲۰۰۰	۵۷۲۵۰	۳۷۹۰۲۰	۱۹۹۲۲۰۰	۶۳۳۸۰۰	۵۴۱۵۹۲	۵۱۲۲۵۷	۲۰۸۲۷۱	۲ تا کمتر از ۳ هکتار	
۳۳۱۰۰۰۰	۴۹۲۰۰۰	۳۰۴۰۲۰	۳۷۷۶۴۰	۲۸۰۶۴۰۰	۴۰۷۸۰۰۰	۲۹۵۳۳۵	۲۲۱۲۰۴۲	۳۴۰۰۳۷	۳ تا کمتر از ۴ هکتار	
۶۶۸۵۰۰۰	۲۵۲۰۰۰	۳۸۰۸۳۸	۳۰۴۴۰۰	۵۶۸۲۶۰۰	۳۳۹۴۰۰۰	۲۲۸۰۷۲	۳۰۵۴۵۰۲	۲۳۳۷۵۷	۴ تا کمتر از ۵ هکتار	
۲۲۵۷۰۰۰	۷۵۰۰۰	۲۶۶۴۶۸	۱۳۵۷۰	۲۲۲۸۰	۱۰۷۳۷۱۵	۱۶۲۶۸	۲۲۰۹۲۱۱	۷۷۷۱۴	۵ تا ۲۰ هکتار	
۱۴۵۷۰۰۰	۳۳۰۰۰	۱۳۲۵۰۰	۲۲۲۸۰	۷۱۸۵۰۰	۱۱۱۰۰	۵۶۳۸۰۵	۴۴۶	۸۴۶۶	۱۰ تا ۵۰ هکتار	
۱۵۵۹۰۰۰	۸۰۰۰	۱۷۱۹۲۰	۸۷۸۰	۱۰۰۸۹۰۰	۳۳۰۰	۲۲۵۲۹۳۷	۹۵۵۲	۴۰۸۶	۱۰۰ تا ۵۰۰ هکتار به بالا	
۱۸۲۱۷	۲۵۹۲۰۰۰	۱۶۰۵۲۰	۲۲۵۵۲۵	۱۲۰۷۹۲۰۰	۲۶۵۵۹۰۰	۳۳۷۸۸۹	۱۱۳۵۲۵۴	۱۸۷۲۹۹	جمع	

منابع: وزارت کشور، نخستین سرشماری عمومی کشاورزی، مهرماه ۱۳۳۹، جلد ۱۵
 مرکز آماری ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی، مرحله دوم سرشماری کشاورزی ۱۳۵۳
 مرکز آماری ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱
 مرکز آماری ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، نتایج تفصیلی، کل کشور
 مرکز آماری ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری زراعت، سال ۱۳۷۱

هکتار

(۱۳۳۹-۱۳۷۱)

جدول ۲. درصد تعداد و مساحت زمین به تفکیک طبقات بهره‌برداری (کل کشور)

۱۳۷۱		۱۳۶۷		۱۳۶۱		۱۳۵۲		۱۳۳۹		
مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	
۱/۲۲	۱۹/۰	۰/۳۲	۹/۹۱	۲/۳۲	۳۲/۳۹	۱/۵۸	۲۹/۶۱	۰/۶۰	۱۶/۶۶	کمتر از ۰/۵ هکتار
		۰/۸۲	۹/۳۳					۱/۱۵	۹/۵۶	از ۰/۵ تا کمتر از ۱ هکتار
۲/۶۳	۱۳/۴	۲/۶۹	۱۵/۱۵	۳/۲۳	۱۵/۳۰	۷/۷۰	۱۲/۹۹	۳/۲۷	۱۳/۶۶	از ۱ تا کمتر از ۲ هکتار
		۳/۵۷						۴/۵۱	۱۱/۱۰	از ۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۱۱/۲۲	۲۶/۰	۳/۸۳	۸/۳۳	۱۵/۲۳	۲۲/۳۹	۱۰/۵۶	۲۱/۸۳	۴/۳۱	۷/۶۹	از ۳ تا کمتر از ۵ هکتار
		۴/۳۲	۱۷/۷					۴/۷۶	۶/۴۸	از ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۱۸/۱۷	۱۹/۰	۱۸/۹۳	۱۹/۳۵	۲۱/۳۶	۱۵/۳۶	۱۷/۹۹	۱۷/۲۵	۲۱/۲۵	۱۸/۱۱	از ۱۰ تا ۱۰۰ هکتار
۳۶/۷۰	۱۷/۵	۲۳/۷۲	۱۲/۴۰	۴۳/۵۳	۱۲/۷۸	۴۵/۶۹	۱۷/۲۸	۲۶/۹۰	۱۱/۹۲	از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هکتار
۱۳/۲۹	۲/۹	۲۲/۷۰	۵/۵۳					۱۹/۲۵	۴/۱۳	از ۲۰۰ تا ۵۰۰ هکتار
۸/۰	۰/۸۹	۸/۳۸	۰/۹۱	۵/۲۹	۰/۴۲	۹/۵۳	۰/۶۶	۴/۹۶	۰/۴۶	از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ هکتار
۸/۵۵	۰/۳۱	۱۰/۷۱	۰/۳۶	۷/۷۲	۰/۱۶	۱۴/۹۴	۰/۳۸	۸/۷۳	۰/۲۲	از ۱۰۰۰ هکتار به بالا
		۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

جدول ۲. درصد تعداد و مساحت زمین به تفکیک طبقات بهره‌برداری (کل کشور)

منابع: وزارت کشت و زراعت، سرشماری عمومی کشاورزی، مهرماه ۱۳۳۹، جلد ۱۵
 مرکز آمار ایران، منابع آماری کشاورزی، مرحله دوم سرشماری کشاورزی ۱۳۵۲
 مرکز آمار ایران، منابع آماری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱
 مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷، منابع تفصیلی، کل کشور
 مرکز آمار ایران، منابع تفصیلی آماری زراعت، سال ۱۳۷۱

جدول ۲. درصد تراکمی تعداد و مساحت زمین به تفکیک طبقات بهره‌برداری (کل کشور)

سال	۱۳۷۱		۱۳۷۷		۱۳۸۱		۱۳۸۲		۱۳۸۹		توضیح
	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	مساحت	تعداد	
۱/۲۲	۱۹/۰	۰/۳۲	۹/۹۱	۲/۳۳	۳۲/۲۹	۱/۵۸	۲۹/۶۱	۰/۶۰	۱۶/۶۶	۱۹/۲۲	از ۱ تا کمتر از ۱ هکتار
۲/۸۵	۳۳/۴	۲/۸۳	۳۳/۳۹	۶/۶۶	۲۷/۷۹	۴/۷۸	۳۲/۶۰	۵/۰۲	۳۹/۸۸	۲۹/۲۲	از ۱ تا کمتر از ۲ هکتار
۱۵/۱۰	۵۹/۴	۷/۴۰	۲۵/۷۵	۱۱/۲۴	۲۵/۱۸	۱۳/۸۳	۶۲/۴۳	۹/۵۳	۵۰/۸۸	۲۹/۲۲	از ۲ تا کمتر از ۳ هکتار
۳۳/۲۷	۷۸/۳	۱۵/۵۶	۵۳/۱۸	۲۱/۸۹	۷۱/۲۸	۱۳/۸۳	۶۲/۴۳	۱۳/۹۳	۵۸/۶۷	۵۸/۶۷	از ۳ تا کمتر از ۵ هکتار
۶۹/۹۷	۹۵/۹	۳۳/۲۹	۶۱/۳۵	۲۳/۳۵	۸۶/۶۳	۳۳/۸۳	۸۱/۶۸	۳۹/۹۵	۵۸/۶۷	۵۸/۶۷	از ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۸۳/۳۶	۹۸/۸	۵۸/۲۱	۹۳/۲۰	۸۶/۸۸	۹۹/۲۲	۷۸/۵۲	۹۸/۹۶	۶۶/۸۵	۹۵/۱۸	۹۵/۱۸	از ۱۰ تا کمتر از ۲۰ هکتار
۹۱/۴۶	۹۹/۶۹	۸۰/۹۱	۹۸/۷۳	۸۶/۸۸	۹۹/۲۲	۷۸/۵۲	۹۸/۹۶	۸۶/۳۰	۹۹/۳۳	۹۹/۳۳	از ۲۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۸۹/۲۹	۹۹/۶۳	۹۲/۳۷	۹۹/۸۳	۸۵/۰۶	۹۹/۶۲	۹۱/۲۶	۹۹/۷۸	۹۹/۷۸	از ۱۰۰ تا کمتر از بی‌نهایت هکتار

جدول ۴. درصد تراکمی تعداد و مساحت زمین به تفکیک طبقات بهره‌برداری (کل کشور)

منابع: جدول شماره ۲

۲. کشاورزان خرده‌پا در اقتصاد کلان کشور

هرگاه پایه تشخیص خرد بودن را بر فرض حد دو هکتار قرار دهیم و این ملاک را برای تعریف تمام بهره‌بردارهای کوچک در کلیه مناطق کشور صادق بدانیم، برطبق آمارهای سال ۱۳۷۱ می‌توان گفت که ۳۳ درصد از بهره‌برداران کشاورز خرده‌پا بوده‌اند. ۲۶ درصد دیگر زمینی بین دو تا پنج هکتار داشته‌اند، که در مناطق خشک از این مقدار زمین نیز تولید چندانی بدست نمی‌آید. اگر این وضعیت را از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک (ونوکلاسیک) مطالعه کنیم، به آسانی می‌توان به این نتیجه رسید که بدلیل خرد بودن واحدهای تولیدی کشاورزی ایران، بدلیل خرد بودن و پراکندگی آنها امکان کاربرد ماشین‌آلات محدوده است؛ از این رو بازدهی این بخش اندک است. این خرد بودن، همچنین امکان برخورداری از صرفه‌های تولید در مقیاس را از میان برداشته است. حاصل این دیدگاه و استدلال می‌تواند چنین باشد: با بزرگتر شدن اندازه مزارع، کاربرد برخی نهاده‌ها و بویژه ماشین‌آلات کشاورزی آسانتر می‌شود و در نتیجه بهره‌برداری از این مزارع صرفه بیشتری پیدا می‌کند.

این شمار زیاد کشاورزان در اقتصاد کشور جایگاهی دارند که مطالعه آن می‌تواند اهمیت نسبی آنان را نشان دهد. این مقصود با بررسی وضعیت کشاورزان از نظر اشتغال، عرضه نیروی کار، و همچنین آنان از تولید حاصل خواهد شد:

۱.۲. اشتغال در بخش کشاورزی

جدول شماره ۵، جمعیت شاغل در بخش کشاورزی را طی سه سرشماری عمومی نشان می‌دهد. نخستین نکته‌ای که در این جدول جلب نظر می‌کند، ثبات نسبی کل جمعیت شاغل در این بخش است. در حقیقت در این دوره جمعیت مزبور فقط حدود ۵ درصد کاهش پیدا کرده است. جنبه دوم گرایش به پیر شدن این جمعیت است. یعنی هرگاه قدر نسبی هر گروه در سالهای مربوط محاسبه شود این نتیجه به دست خواهد آمد که در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۴۵ گروه‌های سنی بالاتر سهم بیشتری از کل جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند، و این نکته ریشه در مهاجرت روستا به شهر دارد. به هر حال، با مقایسه این جدول با شمار بهره‌برداران خرد جدول‌های پیشین، می‌توان نتیجه گرفت که سرچشمه بخش بزرگی از نیروی فعال و شاغل در

ضرورت تجاری شدن کشت ...

کشاورزی ایران بهره‌برداران خرد است. به بیان دیگر، کشاورزی ایران از لحاظ نیروی انسانی تا حد زیادی بر کسانی تکیه دارد که خود زمین کوچکی دارند. نکته قابل توجه دیگر؛ این واحدهای خرد علاوه بر عرضه سهم بزرگی از نیروی کار، خود بزرگترین تقاضا کننده آن نیز هستند (جدول شماره ۶). این ویژگی در حقیقت یکی از نکات محوری است. شاید این حالت خاص عرضه و تقاضا در بازار کار کشاورزی و از نظر اجتماعی پراهمیت باشد اما اهمیت اقتصادی آن اساساً در مقایسه با حجم تولید آنان روشن می‌شود.

۲.۲. نیروی کار فصلی

می‌توان استدلال کرد که خانوارهای روستایی ایران، به دلیل ساختار زمینداری موجود، از نوعی درونگرایی برخوردارند، یعنی به جای آن که جمعیت فعال آنان برای دیگران کار کنند و دستمزد بگیرند. تا حد زیادی برای خود و روی زمین خانواده خود کار می‌کنند. اما، چنانکه دیدیم، مساحت زمین این بهره‌برداران بسیار کم است و از این رو به رغم تلاش فراوان این جمعیت فعال، امکان تأمین معاش از قبل آن وجود ندارد. بنابراین جمعیت مزبور بخشی از سال را باید به صورت کارگر فصلی برای دیگران (بخش کشاورزی و صنعت) کار کند. بنابراین دومین ویژگی که می‌توان در سطح ملی برای کشاورزی ایران (خاصه در گروه کشاورزان کوچک) برشمرد، گستردگی نسبی بازار کار فصلی است. اگرچه می‌توان این ویژگی را جزئی از فرایند کار و تولید بخش کشاورزی دانست اما گستردگی همه جانبه آن می‌تواند ریشه در عقب ماندگی نسبی این بخش و نیز سطح نسبتاً نازل تجاری بودن آن داشته باشد.

جدول ۵. جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به تفکیک گروههای سنی (هزار نفر)

گروههای سنی	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵
۱۹ - ۱۰	۶۸۳/۴	۵۲۷/۵	۳۹۳/۲
۲۹ - ۲۰	۵۶۴/۰	۴۷۷/۸	۵۱۵/۰
۳۹ - ۳۰	۷۰۱/۶	۴۶۸/۲	۴۶۶/۷
۴۹ - ۴۰	۵۲۶/۸	۵۸۵/۳	۴۵۶/۸
۵۹ - ۵۰	۲۴۸/۸	۴۱۹/۹	۵۵۸/۴
۶۰ و بیشتر	۲۴۶/۱	۲۸۲/۵	۴۳۳/۰
جمع کل	۲۹۷۰/۷	۲۷۶۱/۲	۲۸۲۳

مأخذ: سرشماری عمری سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵

جدول ۶. منابع تامین نیروی کار به تفکیک طبقات بهره بردارها (درصد)

بهره بردارها	اعضای خانواده	عمدتاً اعضای خانواده	عمدتاً کارکرد دستمزدی	کل
کمتر از یک هکتار	۶۷	۲۸	۴	۱۰۰
۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۵۲	۴۱	۷	۱۰۰
۲ تا کمتر از ۵ هکتار	۵۳	۴۲	۵	۱۰۰
۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۵۲	۴۴	۴	۱۰۰
۱۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار	۵۱	۴۳	۶	۱۰۰
۲۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۴۲	۴۵	۱۳	۱۰۰
۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۳۰	۴۸	۲۲	۱۰۰
۱۰۰ هکتار و بیشتر	۲۲	۳۰	۴۸	۱۰۰

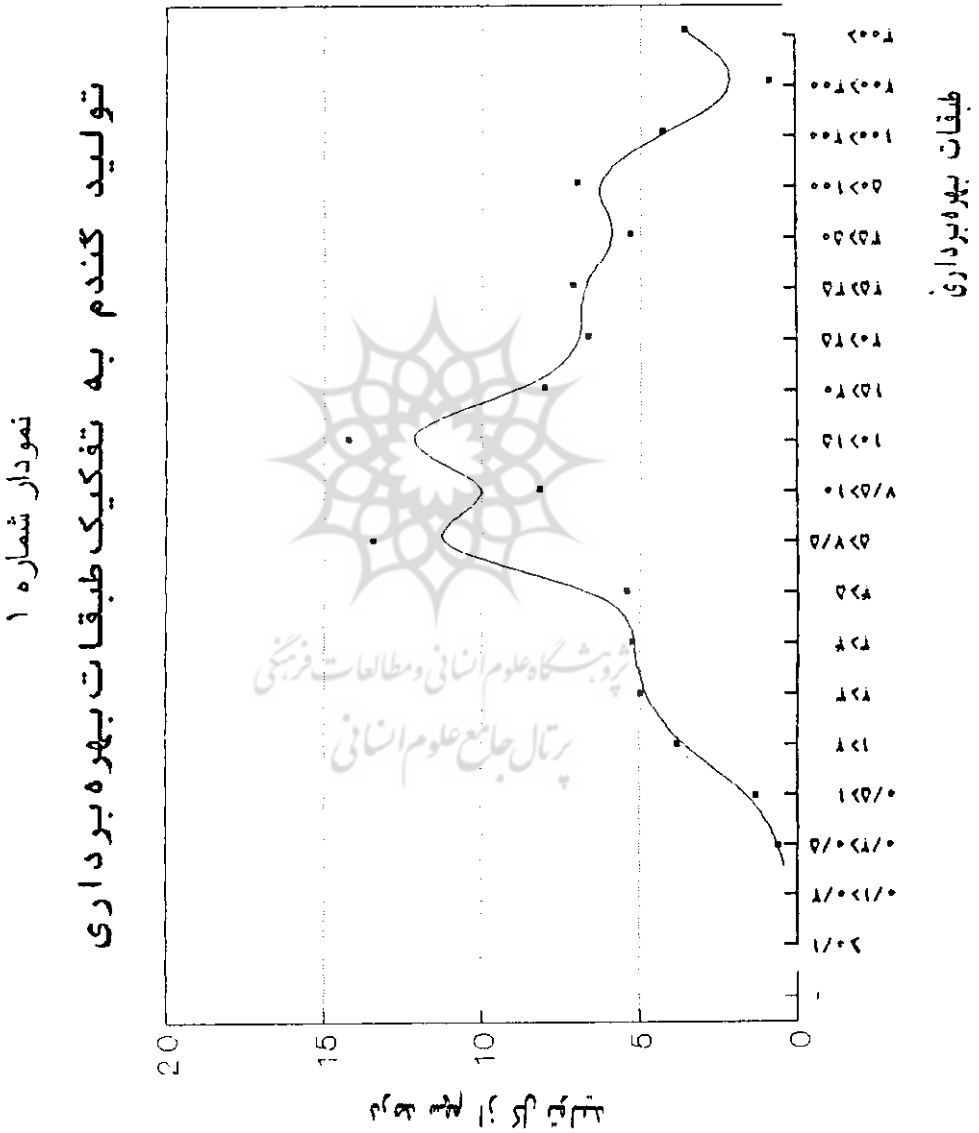
مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی روستائی ۱۳۶۶، جدول شماره ۱۰

۳.۲ الگوی تولیدات کشاورزی

الگوی تولید در واحدهای بهره‌برداری خرد تصویری روشنتری از جایگاه آنان در اقتصاد ملی به دست می‌آید. مهمترین تولیدات کشاورزی عبارتند از: گندم، جو، برنج، یونجه، شبدر، اسپرس، چغندر قند و پنبه. در این میان گندم، جو، از اهمیت خاصی برخوردار است چنان‌که در سال ۱۳۷۰ از ۲/۸۲ میلیون بهره‌برداری حدود ۱/۷ میلیون بهره‌برداری به تولید این محصول اشتغال داشته‌اند. هرگاه این موضوع با بافت زمینداری در ایران پیوند داده شود، وضعیت الگوی کشت در این واحدها روشن خواهد شد. برای این منظور بر پایه جدولهای پیوست، سهم طبقات بهره‌برداری از کل تولید چند محصول مهم ترسیم شده است (نمودارهای شماره ۱ تا ۵) این نکته مهم است که در تمام این محصولات، غیر از برنج، تولیدکنندگان خرد بویژه بهره‌برداران زیر دو هکتار زمین سهم بسیار اندکی در کل تولید دارند. این ویژگی از لحاظ سیاست‌گذاری‌های تولید در بخش کشاورزی بسیار اهمیت دارد و می‌تواند زیربنای تصمیم‌گیری در این زمینه باشد.



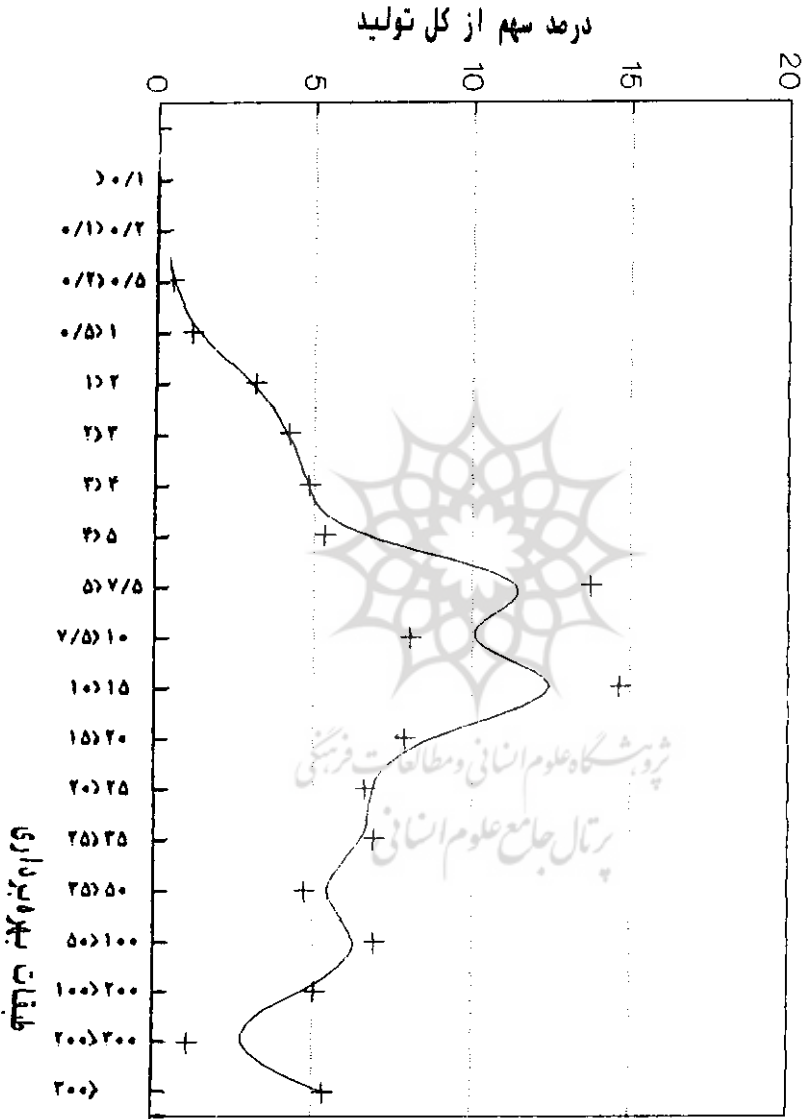
برگزیده مقالات سینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی
 نمودار ۱. سهم تولید به تفکیک بهره‌برداران



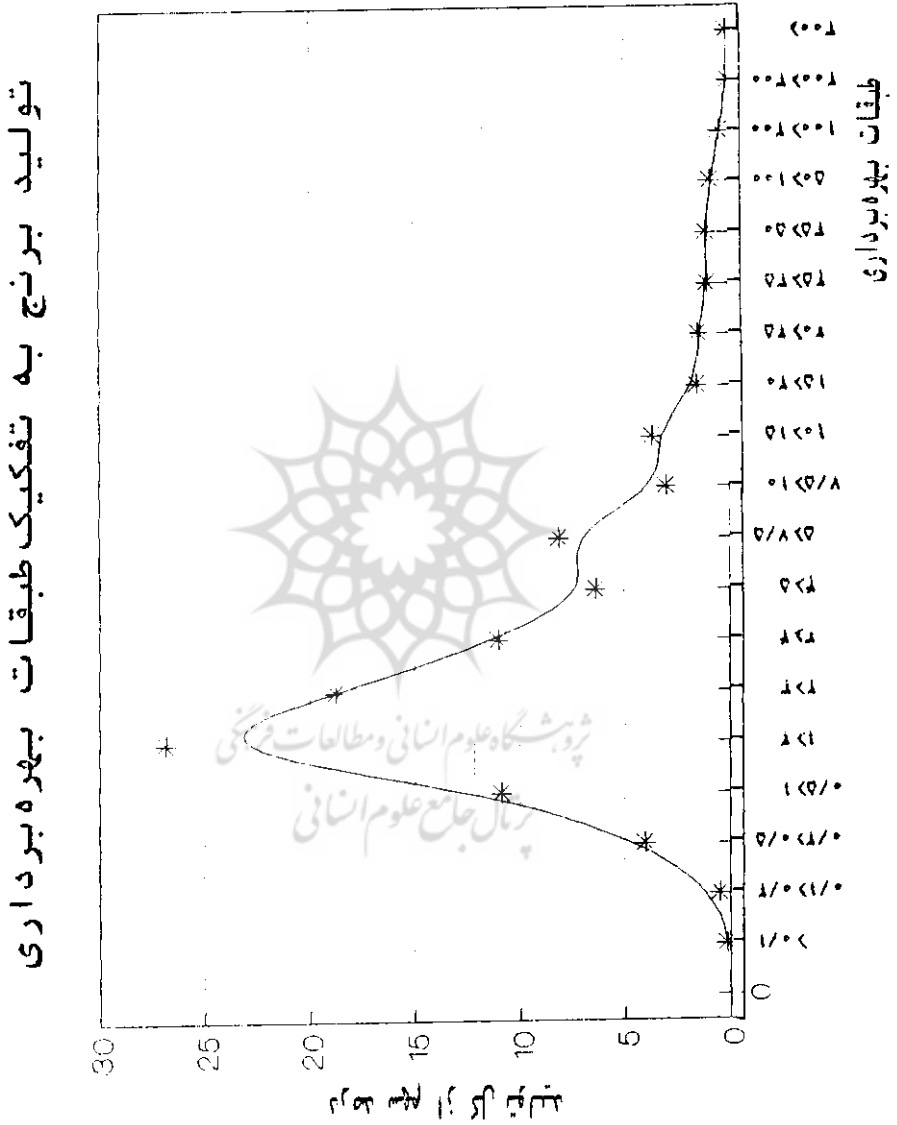
نمودار ۲. سهم تولید جو به تفکیک بهره‌برداران

نمودار شماره ۲

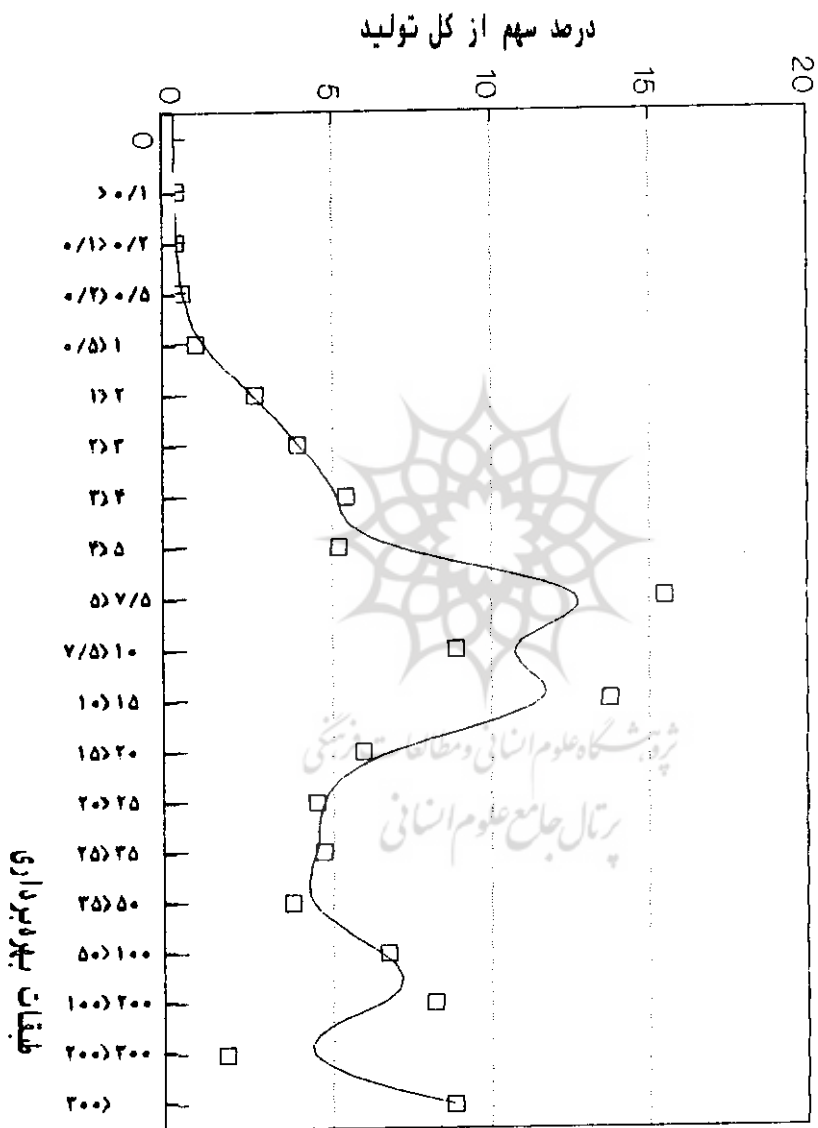
تولید جو به تفکیک طبقات بهره‌برداران



نمودار ۳. سهم تولید برنج به تفکیک طبقات بهره‌برداران

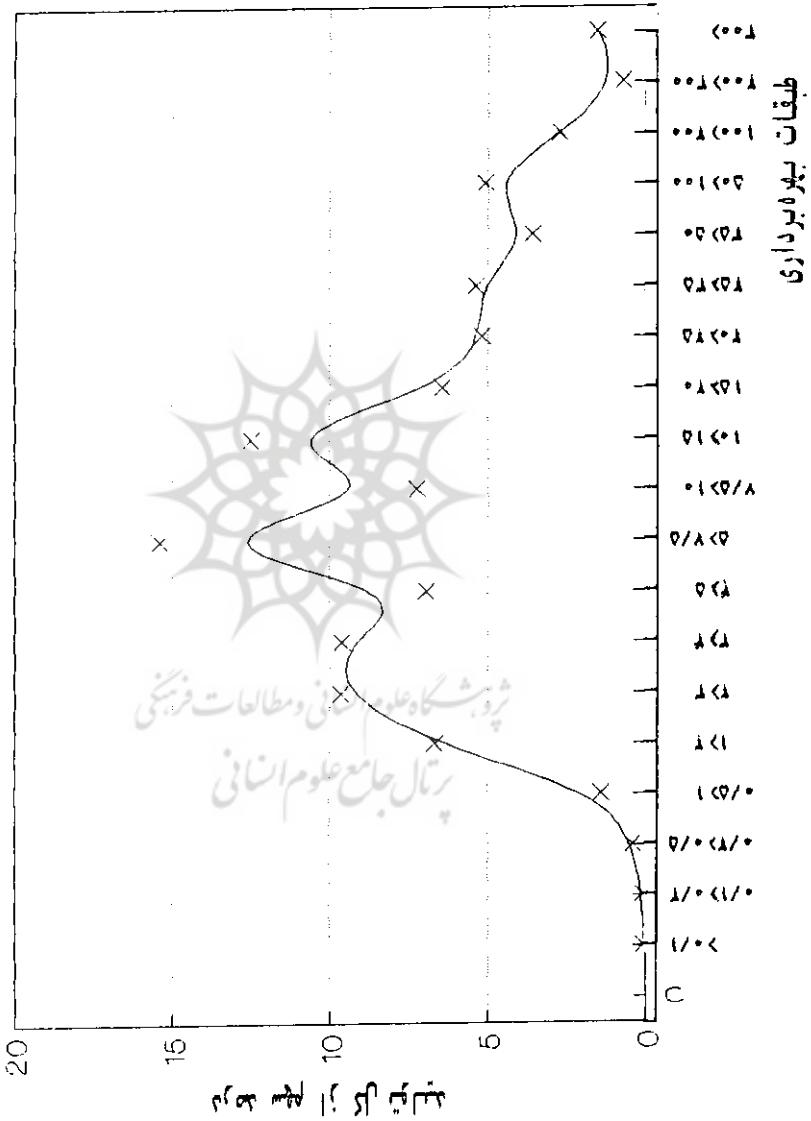


تولید چندرقند به تفکیک طبقات بهره‌برداری



نمودار ۵. سهم تولید به تفکیک بهره‌برداران

نمودار شماره ۵
تولید پنبه به تفکیک طبقات بهره‌برداران



۳. اقتصاد بهره‌بردارهای خرد

آنچه اینجا می‌تواند مطرح شود، استنتاجهای نظری است که اساساً در چند بُعد اهمیت می‌یابند، که عبارتند از حجم تولید، کاربری اقتصادی آنها و صرفه اقتصادی سرمایه‌گذاری در این واحدها، ارتباط با بازار محصول، و ارتباط با بازار کار.

۱.۳. حجم تولید

هرچند در شرایط فعلی می‌توان دلایلی علیه این استدلال آورد که با بزرگتر کردن ابعاد تولید می‌توان از صرفه‌جوییهای ناشی از آن بهره‌مند شد. لیکن برخی دلایل منطقی در آن است که می‌توان پذیرفت. مثلاً می‌توان استدلال کرد که با توجه به قیمت‌های نسبتی گندم و جو با شمار دیگری از محصولات کشاورزی گران‌قیمتی که ارزش افزوده بالایی دارند، تولید این نوع محصولات، هر چند که استراتژیک باشند، در ابعاد خرد مانند نیم یا یک هکتار صرفه اقتصادی ندارد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که اگر بخش بزرگی از کشاورزان خرده‌پا دست به تولید گندم (جو ...) در مقیاسی بسیار خرد می‌زنند، این اقدام بیشتر به دلیل اطمینان یافتن از تأمین حداقل معیشت خود است تا کسب درآمد. و همین خصوصیت است که گروه‌بندی این قبیل واحدهای سنتی را در مقوله خود معیشتی امکان‌پذیر می‌سازد.

۲.۳. کاربرد بودن واحدهای خرد

می‌توان استدلال کرد در اقتصاد بسیاری از این واحدهای خرد، که عمدتاً به کشت محصولات استراتژیک هم می‌پردازند، نسبت کار به سرمایه بالاست. به بیان دیگر، با توجه به نوع کشت، مقیاس تولید که در چارچوب مساحت زمین قرار می‌گیرد، و سطح تکنولوژی در کشور، می‌توان ادعا کرد که بهره‌برداران کوچک ایرانی متکی بر روشهای تولید کاربرند، و عاملی که به این ادعا قوت بیشتری می‌بخشد، یکپارچه بودن همین زمینهای کوچک است در این شرایط در حقیقت، کاربرد ماشین آلات و تکنولوژیهای مناسب برای تولید در مقیاس بزرگ، بسیار محدود می‌شود. با این حال باید اشاره کرد اگر چه استفاده از فنون کاربر و تقویت عامل انسانی در جریان تولید در واحدهای خرد، موجب افزایش هزینه‌های فرصت در بخش

کشاورزی می‌شود و در شرایط موجود فرایند استفاده از عامل نیروی انسانی را در راستای توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور به سوی حوزه‌های کارگر طلب روتق می‌بخشد، اما در شرایط حاضر که امکان به کارگیری نیروی مازاد این بخش به دلیل محدودیتها و فرصتهای اشتغال در سایر بخشهای تولیدی زیاد نیست این وضعیت را می‌توان موقتاً نوعی مزیت دانست.

۳.۳. کاربرد ماشین آلات و تکنولوژی تولید انبوه

طبیعی است که خرد بودن قطعات زمین و نیز یکپارچه نبودن بسیاری از آنها، تا حد زیادی از کاربرد ماشین آلات و تکنولوژی جلوگیری کند.

این یک اصل اقتصادی عام است که از ویژگی "تقسیم ناپذیری برخی عوامل تولید سرچشمه می‌گیرد که استفاده از آنها را در کمتر از مقدار معین و به واحدهای کوچکتر ناممکن می‌سازد. مثلاً شاید بتوان از کمباین برای برداشت نام برد که کاربرد آن در واحدهای خرد مثلاً زیر یک یا دو هکتار کاملاً غیراقتصادی است حتی اگر این کاربرد بصورت اجاره‌ای باشد. اگر چه این اصل کشاورزی محدودیت دارد و شماری از نهاده‌ها مانند کود شیمیایی و بذره‌های اصلاح شده و ... مشمول آن نمی‌شوند، ولی به هر حال باید آن را یک عامل مؤثر تلقی کرد. روشن است که در این موارد سرمایه‌گذاری بر روی ماشین آلات به منظور بالا بردن نسبت سرمایه به کار، اقدامی غیراقتصادی خواهد بود.

۳.۳. تولیدکنندگان خرد و بازار محصولات

تولیدکنندگان خرد اغلب به کشت محصولات استراتژیک می‌پردازند، عمدتاً اقتصادی خود معیشتی را دنبال می‌کنند و از این رو هدف آنان از تولید فروش در بازار نیست. به بیان دیگر آنها به رغم گستردگی سهم وزنی بالای خود، رابطه محدودی با بازار دارند.

نتیجه‌گیری

اقتصاد کشاورزی ایران ساختاری دیرپا دارد که در آن شمار زیادی از تولیدکنندگان خرد فعالیت دارند. بسیاری از آنها، محصولاتی استراتژیک تولید می‌کنند و ظاهراً در این راه

ضرورت تجاری شدن کشت ...

اقتصادی خود معیشتی را هدف قرار داده‌اند. فرایند تولید آنها به ناچار کاربر است و نمی‌توانند از تکنولوژی جدید و از صرفه جوئی‌های مقیاس بهره‌مند شوند. به نظر می‌رسد که این گروه در بازار کار سهم عمده‌ای داشته باشند، هم عرضه‌کننده و هم تقاضاکننده اصلی نیروی هستند. اما به‌رغم تلاش گسترده خود، اهمیت اندکی از لحاظ تولید دارند؛ البته باید اشاره کرد که در این میان برنجکاران استثناء به شمار می‌آیند.

این وضعیت، سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی را مشکل کرده است زیرا تأکید بر افزایش تولید و پیروی از سیاست‌های یکپارچه سازی، ایجاد واحدهای بزرگ تولیدی و مانند این‌ها پی‌آمدهایی مانند بیکاری، مهاجرت به شهرها، بیگانگی روستائیان با محیط خود و غیره را خواهد داشت، در حالی که ادامه راه موجود موجب هرز رفتن بخشی از عوامل تولید می‌شود یعنی در وضعیت موجود، تخصیص عوامل از نقطه بهینه دور است هر چند اشتغال‌زا است. مشکل اصلی این است که بخش بزرگی از نیروی انسانی کشاورزی درگیر فعالیت‌هایی است که ارزش افزوده بالایی ندارد. اقتصاد این تولیدکنندگان همواره با فشار هزینه‌ها روبرو بوده و بدین لحاظ هم پیوسته در برابر تولیدکنندگان خارجی آسیب پذیر بوده است.

به نظر می‌رسد که در این شرایط، گرایش به سیاست بزرگ کردن اندازه مزارع به منظور دور شدن از وضعیت غیراقتصادی کنونی و نزدیک شدن به نقطه بهینه بهره‌برداری از منابع تولید، با یک اصل اساسی اقتصادی، یعنی قیمت نسبی عوامل تولید، مغایرت داشته باشد. (۴) در برابر این سیاست، می‌توان بدیل‌های (آلترناتیو) دیگری را مطرح کرد که بازیاب‌ریهای تولید در مقیاس وسیع، مانند هزینه‌های نظارت، فقدان انگیزه در کارگران، ارزبری و غیره، همراه نباشد. یکی از این راه‌ها هدایت انبوه تولیدکنندگان خرد به سوی تولیداتی است که از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند: ارزش افزوده بالا، سود زیاد، کاربرد بودن فرایند تولید، وجود امکانات صادراتی و از این رو ارزش‌آوردن، و امکان تولید در مقیاس خرد. مجموعه چنین مشخصه‌هایی را علی‌الاصول می‌توان به عنوان تجاری شدن کشاورزی تعریف کرد که خود بازگویی فرایند گذار از کشاورزی سنتی خود معیشتی به کشاورزی نوین ادغام شده در بازار است.

این راهبرد در شرایط مناسب می‌تواند مزایای زیر را برای بخش کشاورزی و اقتصاد جامعه در پی داشته باشد:

- با ساختار زمینداری کنونی انطباق دارد و از این رو نیاز به هیچگونه تلاشی برای دگرگون کردن آن وجود ندارد، که این گونه دگرگونی معمولاً واکنش‌های منفی را در پی دارد.
- روش‌های تولیدی کاربر را تشویق می‌کند. به نظر می‌رسد که این حرکت با شرایط ایران در سالهای آینده سازگاری و انطباق داشته باشد چون قیمت واقعی ارزش روندی فزاینده داشته و خواهد داشت که این خود موجب بالا رفتن قیمت نسبی ماشین‌آلات و کالاهای سرمایه‌ای (که ارزش برند) می‌شود. روشن است که این افزایش، کاهش نسبت قیمتی عامل کار به عامل سرمایه را در پی دارد. به بیان دیگر، در شرایطی که درآمد ارزی واقعی حاصل از صدور نفت پیوسته گرایش به کاهش دارد و قیمت ارز بالا می‌رود، هدایت تولیدکنندگان بویژه تولیدکنندگان خرده پای کشاورزی به استفاده از روش‌های تولیدی کاربر بسیار منطقی به نظر می‌رسد.
- تولیدات خرد رونق می‌گیرند و از این رو می‌توان انتظار داشت که درآمد گروه‌های انبوهی از کشاورزان افزایش یابد. این وضعیت علاوه بر گسترش بازار داخلی، رفاه و بهبود شرایط زندگی روستاییان را نیز در پی خواهد داشت.
- رونق‌گیری اقتصاد تولیدکنندگان خرد موجب تضعیف و یا از میان رفتن یکی از عوامل اصلی مهاجرت به شهرها می‌شود. بدین معنی که با بالا رفتن درآمد روستائیان خرده‌پا، شکاف درآمدی آنها با شهرنشینان کاهش یافته یا از میان می‌رود. از این رو می‌توان امیدوار بود که از هجوم مهاجرتی آنان به شهرها جلوگیری شود.
- با توجه به این که ارزش بری بخش کشاورزی ناچیز است، صادرات شماری از کالاها که بازار بین‌المللی پررونقی دارند می‌تواند در آمد ارزی خالص سرشاری داشته باشد.
- از سوی دیگر لازم به توضیح است که در صورت پیروی از استراتژی مزبور، وظایف و نقش دولت هم تا حدودی تغییر خواهد کرد یعنی بیش از پیش درگیر سیاست‌گذاری‌های منطبق با الزامات بازار (اهم از داخلی یا خارجی) خواهد شد. در همین زمینه نکات زیر قابل توجه می‌نمایند:
- ضروری است که دولت بیش از پیش درگیر مسائل زیربنایی کشور شود تا از این طریق شرایط افزایش حجم صادرات فراهم گردد. نقطه آغاز این حرکت، استفاده مطلوب‌تر از امکانات کنونی است.

ضرورت تجاری شدن کشت ...

● دولت در زمینه ارزی و بازرگانی خارجی قاطعیت بیشتری نشان دهد. یعنی علاوه بر پرهیز از هرگونه نوسان روزمره در این سیاست‌ها باید امکانات گسترده‌ای هم در خارج فراهم آورد تا کشاورزان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی بتوانند کالاهای خود را آسان‌تر عرضه و صادر کنند.

● دولت باید از نظر گمرکی نیز تسهیلاتی فراهم آورد که انواع کالا، بویژه فاسد شدنی‌ها، با سرعت هرچه بیشتر به بازارهای مصرف برسند.

● و سرانجام، اجرای سیاست مزبور ممکن است نیاز به تسهیلات مالی بیشتری داشته باشد که به آسانی از طریق شبکه بانکی کشور قابل حل است.



۱. نگاه کنید به:

Alan Gelb and Associates

Oil Windballs: Blessing or Curse?

Oxford University Press, 1988.

۲. مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری زراعت سال ۱۳۷۱

۴. برای نمونه‌ای از مطالعه تطبیقی در زمینه برهایی مزارع بزرگ در کشورهای در حال توسعه نگاه کنید به: نانسی ال.

جانسون: چرا مزارع تا این حد کوچکند، اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۹، بهار ۱۳۷۴

۵. در پیوست شماره ۲، شاخص دستمزد کارگران ساختمانی و قیمت تراکتور بصورت نمادی از قیمت عامل کار و سرمایه انگاشته و مقایسه شده‌اند.



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست ۱



ضرورت تجاری شدن کشت ...

جدول ۷.۲. گندم کاران به تفکیک بهره برداریها تعداد، تولید، عملکرد ۱۳۶۷

۱	تعداد (ده بهره برداری)	مساحت (ده هکتار)	تولید (ده تن)	عملکرد سهام از تولید (تن)
کل	۱۷۶۲۱۵	۵۳۸۷۰۲	۵۸۷۴۷۲	۱/۰۷
کمتر از ۱/۱ هکتار	۹۸۹	۲۳۲	۳۶۹	۱/۵۹
۱ تا کمتر از ۲/۲ هکتار	۱۹۰۲	۳۳۲	۶۴۱	۱/۹۳
۲ تا کمتر از ۵/۵ هکتار	۶۶۷۸	۱۵۷۶	۳۳۴۶	۲/۱۲
۵ تا کمتر از ۱۱ هکتار	۱۰۱۹۷	۴۰۳۸	۷۶۶۱	۱/۸۹
۱۱ تا کمتر از ۲۲ هکتار	۱۹۷۸۴	۱۴۱۶۷	۲۲۳۲۳	۱/۵۷
۲۲ تا کمتر از ۳۳ هکتار	۱۹۰۶۲	۲۱۰۲۸	۲۸۹۵۶	۱/۳۷
۳۳ تا کمتر از ۴۴ هکتار	۱۶۱۱۳	۲۳۱۳۶	۳۰۶۵۳	۱/۳۲
۴۴ تا کمتر از ۵۵ هکتار	۱۴۷۵۰	۲۶۴۲۰	۳۱۵۹۳	۱/۱۹
۵۵ تا کمتر از ۷۵/۵ هکتار	۲۸۴۴۵	۶۷۶۰۲	۷۸۶۷۰	۱/۱۶
۷۵/۵ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۱۴۲۱۸	۴۴۹۸۳	۴۷۹۴۶	۱/۰۶
۱۰۰ تا کمتر از ۱۵۰ هکتار	۱۹۸۴۴	۸۴۲۸۴	۸۳۴۱۵	۰/۹۸
۱۵۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار	۸۵۴۸	۵۰۴۳۹	۴۶۹۵۲	۰/۹۳
۲۰۰ تا کمتر از ۲۵۰ هکتار	۵۷۲۴	۴۳۸۷۰	۳۹۰۱۰	۰/۸۸
۲۵۰ تا کمتر از ۳۵۰ هکتار	۴۶۳۹	۴۶۷۳۰	۴۱۷۲۳	۰/۸۹
۳۵۰ تا کمتر از ۵۰۰ هکتار	۲۴۶۶	۳۴۱۳۰	۳۱۱۲۵	۰/۹۱
۵۰۰ تا کمتر از ۱۰۰۰ هکتار	۲۰۸۵	۴۲۶۷۲	۴۱۰۲۶	۰/۹۶
۱۰۰۰ تا کمتر از ۲۰۰۰ هکتار	۵۸۹	۱۹۱۷۹	۲۵۳۲۵	۱/۳۲
۲۰۰۰ تا کمتر از ۳۰۰۰ هکتار	۸۴	۴۷۱۷	۵۴۴۷	۱/۱۵
۳۰۰۰ هکتار و بیشتر	۹۵	۹۱۶۷	۲۱۲۹۱	۲/۳۲

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تفصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

جدول ۸. بهره‌برداری جو: تعداد، تولید و عملکرد در هکتار ۱۳۶۷

۱	تعداد (ده‌بهره‌برداری)	مساحت (ده‌هکتار)	تولید (ده‌تن)	عملکرد سه‌م از تولید (تن)
کل	۱۱۳۷۳۱	۲۲۰۷۶۳۳	۲۶۲۵۳۹	۱/۱۹
کمتر از ۰/۱ هکتار	۴۶۸	۹۸	۱۵۸	۱/۶۱
۰/۱ تا کمتر از ۰/۲ هکتار	۸۲۴	۱۳۱	۲۴۷	۱/۸۸
۰/۲ تا کمتر از ۰/۵ هکتار	۳۰۹۴	۵۵۵	۱۱۹۳	۲/۱۴
۰/۵ تا کمتر از ۱ هکتار	۵۰۷۲	۱۳۳۷	۲۷۷۲	۲/۰۷
۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۱۰۰۹۰	۴۸۵۰	۸۲۰۹	۱/۶۹
۲ تا کمتر از ۳ هکتار	۱۰۴۱۹	۷۶۶۳	۱۱۰۳۰	۱/۴۳
۳ تا کمتر از ۴ هکتار	۹۸۴۵	۹۱۲۷	۱۲۶۳۳	۱/۳۸
۴ تا کمتر از ۵ هکتار	۹۶۲۹	۱۱۰۳۱	۱۳۹۷۷	۱۲/۶
۵ تا کمتر از ۷/۵ هکتار	۳۰۰۰۷	۲۹۴۸۱	۳۶۰۸۷	۱/۲۲
۷/۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۱۰۳۸۹	۱۸۶۲۳	۲۱۰۹۱	۱/۱۳
۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار	۱۵۱۱۰	۶۳۱۴۲	۳۸۴۵۶	۱/۰۹
۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار	۶۵۹۶	۲۰۵۰۰	۲۰۷۰۲	۱/۰۰۹
۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار	۴۴۲۷	۱۷۹۵۵	۱۷۳۱	۰/۹۶
۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار	۳۶۱۵	۱۸۰۳۲	۱۸۱۴۳	۱/۰۰۶
۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۱۹۲۲	۱۳۰۵۸	۱۲۳۹۱	۰/۹۴
۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۱۶۱۲	۱۶۵۲۸	۱۸۱۳۸	۱/۰۹
۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار	۴۵۰	۸۵۳۱	۱۳۲۲۱	۱/۵۴
۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار	۶۲	۱۸۸۲	۲۷۱۷	۱/۴۴
۳۰۰ هکتار و بیشتر	۷۳	۵۱۰۹	۱۴۰۵۶	۲/۷۵

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تحمیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

ضرورت تجاری شدن کشت ...

جدول ۹. بهره‌برداران برنجکار: تعداد، تولید (شالی) و عملکرد در هکتار ۱۳۶۷

۱	تعداد (ده‌بهره‌برداری)	مساحت (ده‌هکتار)	تولید (ده‌تن)	عملکرد سه‌م از تولید (تن)
کل	۴۳۲۹۰	۴۳۲۱۶	۱۲۲۲۲۸	۲/۸۲
کمتر از ۰/۱ هکتار	۴۴۰	۴۹	۱۶۸	۳/۴۳
۰/۱ تا کمتر از ۰/۲ هکتار	۱۲۵۰	۱۵۹	۵۶۹	۳/۵۷
۰/۲ تا کمتر از ۰/۵ هکتار	۵۷۹۶	۱۵۷۴	۴۹۳۸	۳/۱۳
۰/۵ تا کمتر از ۱ هکتار	۸۶۷۲	۴۵۵۰	۱۳۲۶۸	۲/۹۱
۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۱۱۹۷۷	۱۱۶۱۹	۳۲۸۰۰	۲/۸۲
۲ تا کمتر از ۳ هکتار	۵۵۹۰	۸۱۱۵	۲۲۶۹۴	۲/۷۹
۳ تا کمتر از ۴ هکتار	۲۸۶۹	۴۸۲۱	۱۳۴۵۰	۲/۷۸
۴ تا کمتر از ۵ هکتار	۱۷۱۳	۲۸۳۰	۷۷۶۵	۲/۷۴
۵ تا کمتر از ۷/۵ هکتار	۲۲۷۴	۳۷۶۶	۹۹۴۴	۲/۶۴
۷/۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۸۹۴	۱۵۳۰	۳۷۰۴	۲/۴۲
۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار	۹۳۷	۱۸۸۲	۴۵۳۵	۲/۴۰
۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار	۳۴۳	۷۴۷	۱۹۳۴	۲/۵۸
۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار	۱۸۹	۴۹۵	۱۸۱۸	۳/۶۷
۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار	۱۴۳	۴۱۹	۱۲۵۸	۳/۰۰۲
۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۷۵	۲۳۴	۱۳۸۵	۵/۹۲
۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۷۴	۲۴۳	۱۰۸۱	۴/۴۴
۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار	۳۹	۸۷	۵۸۲	۶/۶۸
۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار	۵	۲۱	۱۰۸	۵/۱۴
۳۰۰ هکتار و بیشتر	۱۰	۷۵	۲۲۸	۳/۰۴

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تحصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

جدول ۱۰. چغندرکاران به تفکیک تعداد، تولید و عملکرد در هکتار ۱۳۶۷

۱	تعداد (ده بهره برداری)	مساحت (ده هکتار)	تولید (ده تن)	عملکرد (تن)	سهم از تولید
کل	۹۵۴۱	۱۴۳۵۰	۳۶۴۸۳۱	۲۵/۴۲	۱۰۰
کمتر از ۱/۱ هکتار	۱۵	۵	۱۲۳	۲۴/۶	۰/۰۳
۱ تا کمتر از ۲/۲ هکتار	۲۷	۴	۱۲۰	۳۰	۰/۰۳
۲ تا کمتر از ۵/۵ هکتار	۱۴۲	۲۸	۸۰۰	۲۸/۵۷	۰/۲۲
۵ تا کمتر از ۱ هکتار	۲۸۶	۸۶	۲۳۸۸	۲۷/۷۶	۰/۶۶
۱ تا کمتر از ۲ هکتار	۶۹۸	۳۲۷	۹۱۴۰	۲۷/۹۵	۲/۵۱
۲ تا کمتر از ۳ هکتار	۸۴۹	۵۴۱	۱۴۱۵۱	۲۶/۱۵	۰/۸۸
۳ تا کمتر از ۴ هکتار	۹۶۸	۷۳۷	۱۹۶۴۴	۲۶/۶۵	۵/۳۹
۴ تا کمتر از ۵ هکتار	۸۲۴	۷۳۶	۱۸۸۷۱	۲۵/۶۳	۵/۱۷
۵ تا کمتر از ۷/۵ هکتار	۱۹۴۵	۲۱۹۲	۵۶۴۸۶	۲۵/۷۶	۱۵/۴۸
۷/۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار	۹۶۴	۱۲۷۱	۳۲۳۱۵	۲۵/۴۲	۸/۸۶
۱۰ تا کمتر از ۱۵ هکتار	۱۲۵۷	۲۰۵۰	۵۰۰۴۳	۲۴/۴۱	۱۳/۷۲
۱۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار	۵۲۸	۹۷۲	۲۱۶۸۴	۲۲/۳۰	۵/۹۴
۲۰ تا کمتر از ۲۵ هکتار	۳۲۵	۷۱۰	۱۶۱۷۱	۲۲/۷۷	۴/۴۳
۲۵ تا کمتر از ۳۵ هکتار	۲۹۱	۷۷۰	۱۷۰۴۳	۲۲/۱۳	۴/۶۷
۳۵ تا کمتر از ۵۰ هکتار	۱۵۷	۵۷۳	۱۳۴۹۵	۲۳/۵۵	۳/۷۰
۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۱۶۳	۱۰۰۴	۲۴۴۸۵	۲۴/۳۸	۶/۷۱
۱۰۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار	۷۶	۱۰۹۱	۲۹۸۵۴	۲۷/۳۶	۸/۱۸
۲۰۰ تا کمتر از ۳۰۰ هکتار	۱۱	۲۲۱	۵۹۰۳	۲۶/۷۱	۱/۶۲
۳۰۰ هکتار و بیشتر	۱۳	۱۰۲۱	۳۲۱۱۳	۳۱/۴۵	۸/۸۰

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تحصیلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

ضرورت تجاری شدن کشت ...

جدول ۱۱. پنبه کاران به تفکیک تعداد، تولید و عملکرد در هکتار ۱۳۶۷

۱	تعداد (ده بهره برداری)	مساحت (ده هکتار)	تولید (ده تن)	عملکرد سهم از تولید (تن)
کل	۱۰۱۴۷	۱۵۵۴۲	۳۰۳۷۴	۱/۹۵
کمتر از ۱/۱ هکتار	۴۱	۶	۱۰	۱/۶۶
۱ تا کمتر از ۲/۲ هکتار	۷۵	۱۶	۱۹	۱/۱۸
۲ تا کمتر از ۵/۵ هکتار	۳۱۴	۶۲	۱۱۱	۱/۷۹
۵ تا کمتر از ۱۱ هکتار	۶۲۹	۲۱۱	۴۱۶	۱/۹۷
۱۱ تا کمتر از ۲۲ هکتار	۱۴۹۹	۹۵۱	۲۰۱۷	۲/۱۲
۲۲ تا کمتر از ۳۳ هکتار	۱۴۰۹	۱۴۱۵	۲۹۲۶	۲/۰۶
۳۳ تا کمتر از ۴۴ هکتار	۱۱۶۳	۱۴۰۶	۲۹۰۸	۲/۰۶
۴۴ تا کمتر از ۵۵ هکتار	۷۹۴	۱۰۷۶	۲۰۹۷	۱/۹۴
۵۵ تا کمتر از ۷۷/۵ هکتار	۱۴۷۸	۲۴۰۴	۴۶۶۵	۱/۹۴
۷۷/۵ تا کمتر از ۱۰۰ هکتار	۶۵۱	۱۱۵۵	۲۱۸۸	۱/۸۹
۱۰۰ تا کمتر از ۱۵۰ هکتار	۹۳۵	۱۹۶۵	۳۷۹۰	۱/۹۲
۱۵۰ تا کمتر از ۲۰۰ هکتار	۳۸۶	۱۰۴۰	۱۹۴۶	۱/۸۷
۲۰۰ تا کمتر از ۲۵۰ هکتار	۲۵۴	۸۰۸	۱۵۵۷	۱/۹۲
۲۵۰ تا کمتر از ۳۵۰ هکتار	۲۲۲	۸۴۲	۱۶۲۰	۱/۹۲
۳۵۰ تا کمتر از ۵۰۰ هکتار	۱۳۳	۵۹۴	۱۰۸۴	۱/۸۲
۵۰۰ تا کمتر از ۱۰۰۰ هکتار	۱۲۲	۸۲۹	۱۵۲۷	۱/۸۴
۱۰۰۰ تا کمتر از ۲۰۰۰ هکتار	۴۰	۴۳۹	۸۱۸	۱/۸۶
۲۰۰۰ تا کمتر از ۳۰۰۰ هکتار	۵	۹۲	۲۱۲	۲/۳۰
۳۰۰۰ هکتار و بیشتر	۷	۲۳۱	۴۶۱	۱/۹۹

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی کشاورزی ۱۳۶۷ نتایج تحصيلی کل کشور، تهران ۱۳۷۰

پیوست ۲

طی سالهای متمادی به دلایل گوناگون، مانند فراوانی ارز (در دهه ۱۳۵۰) و یا افزایش کنترل دولت به نظام اقتصادی (در دهه ۱۳۶۰) نرخ ارز بطور نسبی ارزان بود لذا گرایش به استفاده از روش‌های سرمایه بر قوت داشت. بهر حال با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی از سالهای آخر دهه ۱۳۶۰، که شناوری نرخ ارز را هم شامل می‌شد، وضعیت مزبور دگرگون شد، و می‌توان انتظار داشت تخصیص منابع نیز به گونه‌ای دیگر صورت گیرد.

با توجه به تحول گفته شده و ترسیم روند نسبت سرمایه به کار در طی دو دوره‌ای که بیان شد، شاخص دستمزد کارگران ساده ساختمانی به عنوان بدیلی برای شاخص دستمزد نیروی کار در کشاورزی برگزیده شده است و با شاخص قیمت تراکتور (بارزترین نماد سرمایه در اقتصاد کشاورزی ایران) مقایسه شده است. جدول شماره ۱۲ این نسبت را طی سالهای ۱۳۵۳ - ۱۳۷۳ نشان می‌دهد و دو نمودار آن نیز روند مزبور را ترسیم می‌کنند. چنان که می‌بینیم در سالهای آخر دهه ۱۳۶۰، این نسبت به شدت افزایش می‌یابد. این افزایش را می‌توان نمودی از گرایش به سوی روش‌های کار برتر در کشاورزی ایران تلقی کرد.

ضرورت تجاری شدن کشت ...

جدول ۱۲. شاخص بهای عمده‌فروشی تراکتور و دستمزد کارگران ساده ساختمان
۱۳۵۳-۱۳۷۳

سال	شاخص قیمت تراکتور (۱)	شاخص دستمزد (۲)	نسبت (۱) به (۲)
۱۳۵۳	۵۱/۳	۵/۲	۹/۸۷
۱۳۵۴	۵۱/۳	۷/۸	۶/۵۸
۱۳۵۶	۶۷/۷	۱۴/۱	۴/۸۰
۱۳۵۷	۶۷/۷	۱۶/۷	۴/۰۵
۱۳۵۸	۶۷/۷	۲۰/۲	۳/۳۵
۱۳۵۹	۶۸/۹	۲۶/۰	۲/۶۵
۱۳۶۰	۷۴/۳	۳۱/۵	۲/۳۶
۱۳۶۱	۷۴/۹	۳۹/۵	۱/۹۰
۱۳۶۲	۷۲/۰	۵۴/۳	۱/۳۳
۱۳۶۳	۷۳/۰	۵۸/۰	۱/۲۶
۱۳۶۴	۷۷/۰	۵۷/۸	۱/۳۳
۱۳۶۵	۸۱/۴	۶۰/۰	۱/۳۶
۱۳۶۶	۸۳/۱	۶۵/۵	۱/۲۷
۱۳۶۷	۸۴/۷	۷۵/۹	۱/۱۲
۱۳۶۸	۹۳/۶	۸۵/۷	۱/۰۹
۱۳۶۹	۱۰۰	۱۰۰	۱
۱۳۷۰	۱۹۷/۱	۱۲۳/۰	۱/۶۰
۱۳۷۱	۳۲۰/۰	۱۵۲/۲	۲/۱۰
۱۳۷۲	۷۰۵/۶	۱۸۴/۲	۳/۸۳
۱۳۷۳	۱۰۹۲/۲	۲۵۰/۶	۴/۳۶

منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.